

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

بیانات به مناسبت مبعث
جلسه ۴۰۱ شرح دعای صحیفه سجادیه

۱۴۰۳ / ۱۱ / ۰۸

- بعثت، بزرگ‌ترین نعمت پروردگار
- شب مبعث، شب زیارتی امیرالمؤمنین
- نکاتی درباره بعثت
- توصیف دل‌رای قرآن درباره پیامبر
- پیامبران در یک درجه نبودند
- آنچه انبیا همه دارند، تو تنها داری
- تکریم فوق‌العاده پیامبر در قرآن
- پیامبر حریص!
- عذر تقصیر مسلمانان به پیشگاه پیامبر
- قسط، یکی از هدف‌های اساسی بعثت
- پیروزی جبهه مقاومت در وقایع اخیر
- زمینه‌سازی ایرانیان برای ظهور
- پیروزی‌های جدید جبهه مقاومت

بعثت، بزرگ‌ترین نعمت پروردگار

امشب شب خیلی با عظمتی است، و فردا جزء شب‌ها و روزهای برگزیده سال می‌باشد. ماه رجب که خودش ماه برگزیده است، اما به خاطر بعثت پیامبر عزیز ما در ماه رجب، این شب و روز بیست و هفتم جزء شب و روزهای بسیار بزرگ و با عظمت است؛ یعنی بزرگ‌ترین نعمتی که پروردگار متعال از اول تا آخر خلقت به بشریت کرامت کرده است. چیزی بالاتر از بعثت نیست. البته یکی از بزرگ‌ترین برکات بعثت پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) وجود اقدس امام سجاد (علیه الصلوٰة و السلام) و همین صحیفه مبارکه سجادیه است. واقعاً خود این صحیفه حقیقتاً یکی از برکات بزرگ این مبعث شریف و با عظمت است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رد الله

خدمت همه عزیزان فرا رسیدن سالروز مبعث خاتم انبیاء محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) را جمعاً به محضر مولایمان حضرت بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تبریک و تهنیت عرض می‌کنیم. امیدواریم جمع ما از نظر عنایت و دعای آن حضرت در این شب با عظمت ان‌شاءالله بهره‌مند باشد. امیدواریم از برکات این مبعث شریف، امت و امام حظ وافر داشته باشند و ان‌شاءالله مسیرها به سوی تحقق آن نقطه نهایی این مبعث، یعنی ظهور موفور السرور حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا فداه) هموار بشود و خدای متعال موانع را برطرف کند و ان‌شاءالله آن عنایت خاص او شامل حال همه بشریت بشود.

شب مبعث، شب زیارتی امیرالمؤمنین

به آن برانگیخته شده است. شاید بشود به نکته‌های دیگری هم پرداخت، از جمله چرایی مبعث، از جمله مخاطبان مبعث، اینها هم نکته‌هایی است که می‌شود در باره‌اش صحبت کرد، یا محیط مبحث قابل گفتگو است.

مطلب اول این است که خداوند تبارک و تعالی بعثت را به خودش نسبت می‌دهد و جریان مبعث به عنوان یک سنت جاری قطعی حتمی پروردگار متعال مطرح است. از آغاز آفرینش تا پایان که مبعث حضرت خاتم (صلی الله علیه و آله) می‌باشد این سلسله

نبوت‌ها و بعثت‌ها برقرار بوده است. یعنی رابطه رسمی خدای متعال با انسان. این سنت حتمی و قطعی حضرت حق است؛ لذا این سلسله پرنور «وَآتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ»^۱ و رسولانش را پشت سرهم به سوی آنان فرستاد» تعبیر امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌باشد که پی‌درپی از بی هم آمدند، ولو گاهی فاصله

ضمناً دوستان توجه دارند که هم امشب و هم فردا، زیارت امیرالمؤمنین (علیه الصلوٰة و السلام) مؤکد است. حالا اگر نتوانستیم مشرف بشویم از همین راه دور به محضر آن حضرت عرض سلام خواهیم کرد، البته راه دور منظور به نسبت مضجع است، وَاِلَّا كَمَا بَا حضرت انشاءالله فاصله نداریم، دل‌های ما آکنده از محبت آن حضرت است، عنایت آن بزرگوار هم که شامل حال مان است. از این جهت راه دور نیست.

نکاتی درباره بعثت

۱. عظمت باعث

درباره مبعث، یکی مبنا و اساس این رخداد باعظمت است، ریشه و منشأ و مبنای آن. دیگری عبارت است از توجه به کسی که برانگیخته شده است، نگاهی به متن مأموریتی که آن حضرت

افتاده ولی انقطاع اتفاق نیفتاده تا مبعث پیامبر عزیز ما که در واقع می‌شود گفت شاهد بر همه شاهدها است، گواه بر همه گواهان است و بعثت کامل و جامع و شامل است، دربرگیرنده همه بعثت‌های پیشین است و نبوت‌ها است و پیام‌ها است، هم ناسخ همه است، هم آورنده حقیقت‌های تازه است و هم خاتم است. نکته اول اینکه خدای متعال جریان بعثت و از جمله بعثت پیامبر عزیزمان را به خودش و به مقام حکمت و عزتش نسبت می‌دهد که این هم خودش لطیف است. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»^۲ اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت

بدیشان بیاموزد و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. اینجا ملاحظه می‌کنید که عزت و حکمت است. «هُوَ الَّذِي» نسبت داده می‌شود به خود خدای متعال که مبعوث کرده و بعد هم سخن از عزت و حکمت خدای متعال است، یعنی بنیان بعثت، عزت و حکمت است.

یک تعبیری هم به طور خاص در مورد بعثت پیامبر عزیزمان دارد که می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اْعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^۳ و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگویند] خدا را پرستید و از طاغوت پرهیزید. فرمود ما در همه‌ی امت‌ها کسی را مبعوث کردیم و پیام‌مان هم دو کلمه بوده است؛ یکی: بندگی خدای متعال، دو: اجتناب از طاغوت. این هم پیامی است که در این جهت مشترک بین تمام پیامبران الهی است.

کم نگذاشته برای شما. منت گذاشته برای شما معنایش این است. خدای متعال درباره هیچ نعمتی منت نمی‌گذارد. می‌دانید خود منت، مَنْ هم همان انعم هست، منتها نعمت این قدر بزرگ است که دارد نعمتش را به رخ می‌کشد «مَنْ اللهُ عَلَيَّ الْمُؤْمِنِينَ». پس این نکته اول.

عنایت داشته باشید براساس همین نگاه قرآنی، بزرگان ما، اساتید علم کلام، اهل فن و همچنین دلالت‌های روایی، قاعده لطف را به عنوان بنیان هدایت تشریحی که متجلی در همین جریان نبوت‌ها است مطرح می‌کنند که براساس لطف خدای متعال است. لطف حضرت حق است که شامل شده و ارتباط رسمی با شما گرفته است، نماینده برای شما فرستاده، رسول فرستاده، پیک فرستاده است. خیلی مطلب، مطلب بزرگی است.

درباره بعثت پیامبر عزیزمان یک تعبیر فوق‌العاده‌ای را حضرت حق تبارک و تعالی استفاده می‌کند تا بگوید این رخداد، یعنی بعثت پیامبر و این مقام خاتمیت که مقام جمع‌الجمعی است و این جامعیت بعثت، کمال آن، عظمت آن، برای همه معلوم باشد؛ لذا از کلمه منت استفاده می‌کند: «لَقَدْ مَنَّ اللهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ؛» به یقین خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت. این «مَنَّ اللهُ» یعنی خدای متعال منت می‌گذارد بر مؤمنین که از بین آنها پیامبری را برمی‌گزیند که بیاید برای تعلیم کتاب و حکمت، برای تلاوت آیات الهی، تزکیه نفوس. تعبیر منت برای آن استفاده می‌شود. منت اینجا حکایت از عظمت نعمت است. «لَقَدْ مَنَّ اللهُ» آن هم با تأکید «لَقَدْ» یعنی قطعاً و حتماً خدای متعال لطفش را تمام کرده و چیزی

توصیف دلارای قرآن درباره پیامبر

قرآن کریم خودش وصف جمال محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله)

است، شرح مقامات اوست، شرح جمال دل‌آرای اوست، وصف طلعت ناز محمدی است، قرآن این است. «كَانَ خُلُقُهُ الْقُرْآنَ»^۶ این اخلاقش قرآنی بود. که این هم دیدنی است، واقعاً اگر انسان بخواهد یک نیم‌رخ این حقیقت درخشنده آفرینش را تماشا کند باید برود به محضر قرآن و قرآن کریم برای دل‌های پاک و برای خرده‌های ناب رونمایی می‌کند؛ البته متناسب با درکشان. درباره پیامبر عزیزمان چه باید گفت؟ همه‌ی انبیا (سلام الله علیهم اجمعین)

برگزیدگان خدای متعال هستند از بین خلق، از حضرت آدم (علیه السلام) شروع بشود بیاید همین طور یک‌به‌یک، ولی اینها یکسان نبودند، «تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ»^۷ برخی از آن

۶ . ورام بن ابی فراس، مجموعه

و رام (تنبيه الخواطر)، ج ۱، ص ۸۹.

۷ . بقره: ۲۵۳.

۲. عظمت مبعوث

مطلب دوم عبارت است از اینکه چه کسی مبعوث شده است؟ شاید بشود به یک عبارتی گفت همه‌ی بزرگی و عظمت و شکوه و زیبایی، درخشش و بهجت و بهاء و جلال و عظمتی که در این بعثت می‌باشد، مربوط می‌شود به شخص شخیص خاتم انبیا، محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) او کیست؟ خیلی باعظمت است، واسطه فیض است، هرچه هست از درخشش نور اوست، خلق اول است، عقل نخست است، اول ما خلق الله نوری، تجلی اعظم است. در محیط عالم ما رحمت بی‌منتها است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»^۸ و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم. رحمت بی‌کران است، مظهر نام مقدس الرحمن است. در محیط عمومی آفرینش، سفره رحمت الهی است، مظهر نام رحیم است که رحمت خاص است که جلوه ناب آن هدایت است.

۸ . انبیا: ۱۰۷.

پیامبران در یک درجه نبودند

تاریخ بشریت چنین ستاره‌های درخشانده‌ای را همیشه داشته؛ یعنی همیشه حجت خدا در بین خلق بوده، مبعوث همیشه از سوی خدای متعال بوده، رسول و نبی همیشه از طرف خدای متعال در بین خلق بوده است، هیچ گروهی را خدا خلق نکرد مگر اینکه در بین‌شان پیامبر فرستاده است. این ارتباط برقرار شده تا حجت تمام بشود، تا مسیر هدایت برقرار باشد، لطفش شامل باشد، دست اینها را بگیرد، مسیر زندگی سعادت‌مندان دنیا و خوشبختی ابدی را به آنها نشان بدهد. خدای متعال، بنده‌ها را خلق کرده برای رشد، برای کمال، برای بهشت. پس باید کسی هم باشد که راه بهشت را به اینها نشان بدهد، دست‌شان را بگیرد به آن سمت حرکت بدهد. محیط این عالم هم که دار الإبتلاء است، درون انسان هم که بین جبهه عقل و هوا، عقل و جهل درگیری است. درون انسان

پیامبران را بر برخی دیگر برتری بخشیدیم.» پیامبران با همدیگر فرق می‌کردند. یکی‌اش موسی است، کلیم الله است: «مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ»^۱ با خدا حرف می‌زند. یعنی ارتباط خاص دارد، نزدیک است، صمیمی است که می‌شود کلیم الله. دیگری عیسی (علیه السلام) است؛ روح الله. دیگری نوح است. هر کدام اینها دارای رتبه‌ای هستند. مخصوصاً این پیامبران برجسته که با عنوان اولوا العزم شناخته می‌شوند، قرآن کریم اینها را این چنین معرفی می‌کند. بدین ترتیب اینها در نسبت با حضرت حق تبارک و تعالی و کشف اراده الهی و پیام‌رسانی از سوی خدای متعال دارای مقامات بسیار عالی هستند. بقیه‌شان که می‌فرماید صد و بیست و چهار هزار، یعنی هر امتی گاهی نه یکی، بلکه دو سه تا پیامبر داشتند. خیلی‌هایشان هم شارح بودند، مروج بودند، ولی بالاخره نبی بودند.

کسی است که مقام جان‌فزایش، مقام جمع‌الجمعی است. همان است که گفت آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری. هرچه که همه دارند تو به‌تنهایی داری. العظمه لله؛ درباره پیغمبر اکرم چه می‌شود گفت؟ خدای متعال با آفرینش محمد (صلی الله علیه و آله) هنرنمایی کرده است.

تکریم فوق‌العاده پیامبر در قرآن

درواقع خدای متعال با خلق حضرت محمد مصطفی (صلوات الله و سلامه علیه) خواسته به رخ بکشد عظمتش را، قدرتش را، حکمتش را، علمش را، جمالش را، کمالش را. بعد هم خواسته لطفش را درباره بشریت تمام کند، او را بر آنها سرور قرار داد، او را برای آنها پیک قرار داد، رسول قرار داد. فرستاد به سوی آنها، شاهد جمع آفرینش قرار داد. «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا * وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ

هم که این تلاطم و درگیری وجود دارد. بنابراین باید کسی بیاید دست این انسان فلک‌زده بیچاره را بگیرد، هم از این کشمکش درونی او را نجات بدهد، عقلش را بارور کند، هم او را از این کشمکش بیرونی و ابتلائات بیرونی نجات بدهد، صراط مستقیم را از بین بی‌راهه‌ها به او نشان بدهد، مسیر سعادت را نشان بدهد. این کاری است که همه‌ی پیامبران انجام دادند.

آنچه انبیا همه دارند، تو تنها داری

آنجا که فرمود: «تَلَكِ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» بعد می‌گوید اما تو چیز دیگری هستی. همه‌شان خوب هستند، همه‌شان نور هستند، مخصوصاً برخی‌شان خیلی بزرگ هستند، مثلاً ابراهیم خیلی بزرگ است، اما تو چیز دیگری هستی. گفت: «از احمد تا احد یک میم فرق است / جهانی اندر این یک میم غرق است.» او

شاهد و گواه تویی، حجت تویی، معیار تویی، میزان تویی، «وَ جُنَّا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِدًا».

بینید خدای متعال چقدر محترمانه با پیغمبر رفتار می‌کند، چقدر تکریم می‌کند و توقع دارد که مؤمنین چقدر ایشان را تکریم و تجلیل کنند «وَ تُعَزِّرُوهُ وَ تُوَقِّرُوهُ»^{۱۲} و او را یاری کنید و ارجش نهید. تعبیر خدای متعال درباره پیغمبر اکرم این است. پیامبر پیش خدای متعال خیلی عزیز است.

پیامبر حریص!

در آخر سوره مبارکه توبه هم خدای متعال یک جمع‌بندی دارد که فرمود: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ»^{۱۳} قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید.

بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجاً مُنِيراً؛^۹ ای پیامبر مَا تَوْرًا [به سم ت] گواه و بشارتگر و هشداردهنده فرستادیم. و دعوت‌کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی تابناک. چقدر این آیه زیبا است، چقدر قشنگ است. این پیامبر عزیز ما است؛ در اندیشه و فکر، در اخلاق و فضیلت‌ها و مکارم، در روش زندگی، در حوزه نظری، در بخش عملی، در حکمت نظری، در حکمت عملی، در هر بخشی که نگاه کنید، فرد متفرد است، بی‌نظیر است. لذا فرمود: «وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»^{۱۰} و راستی که تو را خویستی والاست.»

بعد هم فرمود ما برای هر امتی شاهد قرار دادیم «وَ جُنَّا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِدًا»^{۱۱} و تو را بر آنان گواه آوریم. ولی تو بر پیامبران دیگر گواه هستی، بر هر امتی پیامبر آن شاهد و شهید است، ولی بر همه‌ی پیامبران،

۹ . احزاب: ۴۵-۴۶.

۱۰ . قلم: ۴.

۱۱ . نساء: ۴۱.

۱۲ . فتح: ۹.

۱۳ . توبه: ۱۲۸.

حریص است، نه یک مثلاً حالا بگوییم ما پیام را رساندیم، می‌خواهند بگیرند می‌خواهند نگیرند. دیدید گاهی این‌گونه است، من رسول هستم، پیامی برای شما آوردم، می‌خواهید قبول کنید می‌خواهید نکنید، می‌خواهید عمل کنید می‌خواهید نکنید، خودتان می‌دانید.

«حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ» خیلی تعبیر، تعبیر عجیبی است. این کلمه حریص اگر بخواهیم معنا کنیم چند جای قرآن هست که حریص معنی در آن می‌شود. یکی آنجایی است که خدای متعال به پیغمبر اکرم خطاب می‌کند که چه خبیرت است: «طه * مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى؛^{۱۴} طه، قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به رنج آفتی.» چه کار داری می‌کنی؟ «فَلَمَّا لَكَ بِأَخٍ نَفْسِكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا؛^{۱۵} شاید اگر به این سخن ایمان

به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز مهربان است.» فرمود ببینید چه کسی را برای شما فرستادم. تعبیر «جاءكم» هم قشنگ است؛ این آمدن با فرمان رسالت است که حضرت وقتی از غار حراء حرکت کرد آمد به سمت مردم، بعد از اینکه این ابلاغ رسالت صورت گرفت «لَقَدْ جَاءكُمْ» خیلی تعبیر لطیفی است، یعنی با همه وجودش، با همه عظمتش، با همه فکرش، با همه محبتش، با همه شکوهش آمد به سمت شما، آمد برای هدایت شما، آمد برای پرورش شما، آمد برای سعادت شما، آمد برای دستگیری از شما، آمد برای خیرخواهی شما «لَقَدْ جَاءكُمْ» چه کسی؟ «رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» این از خود شما است، به شما خیلی نزدیک است. «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ» این قدر که اگر برای شما دشواری، گرفتاری ای پیش بیاید او اذیت می‌شود، به او سخت می‌گذرد. «حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ» نسبت به هدایت شما

۱۴ . طه: ۱-۲.

۱۵ . کهف: ۶.

عذر تقصیر مسلمانان به پیشگاه پیامبر

واقعاً مسلمان‌ها چه کار می‌خواهند بکنند؟ چه جوابی در پیشگاه خدای متعال دارند؟ با داشتن پیامبر، اگر از جهت اخلاق کم داشته باشند، جواب خدا را چه می‌خواهند بدهند؟ اگر من و شما کم‌وکسری اخلاق داشته باشیم جواب خدا را چه می‌خواهیم بدهیم؟ کم‌وکسری فکری داشته باشیم جواب خدای متعال را چه می‌خواهیم بدهیم؟ کم‌وکسری اجتماعی داشته باشیم جواب خدا را چه می‌خواهیم بدهیم؟ کم‌وکسری اقتصادی داشته باشیم جواب خدای متعال را چه می‌خواهیم بدهیم؟ یعنی امت با داشتن چنین نعمتی حجت بر او تمام شده است. حجت بالغه، پیغمبر اکرم است «فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ»^{۱۶} بگو برهان

نیاورند تو جان خود را از اندوه در پیگیری [کار]شان تباه کنی.» چرا با جان خودت داری بازی می‌کنی؟ واقعاً پیغمبر با جانش بازی می‌کرد. برای هدایت مردم از جان می‌گذاشت. وقتی اینها گوش نمی‌کردند پیغمبر اذیت می‌شد، در حدی که وقتی می‌دید اینها هدایت را قبول نمی‌کنند می‌خواست جان بدهد. اصلاً مواجهه عادی نیست. «حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ» یعنی مهربان‌تر از مردم نسبت به خودشان است. «بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ» نسبت به مؤمنین که دیگر چه بگوییم. آن حرص عمومی است، نسبت به همه است؛ اما رأفت و رحمت پیغمبر نسبت به انسان‌های مؤمن است؛ یعنی کسانی که به پیامبر ایمان آوردند. این شخصیت پیغمبر اکرم است.

تا کشف از مقصد آفرینش، تا کشف از رضای خدای متعال، تا کشف از سخط خدای متعال، تمام آن در قرآن است. امشب در واقع شب تولد قرآن است.

قرآن کریم، محصول عالی بعثت بزرگ و مبعث شریف و باعظمت است که هرچه انسان برای تأمین خوشبختی دنیایی آخرتی در همه‌ی ساحت‌ها نیاز داشته خداوند تبارک و تعالی در دسترس او گذاشته است،

که می‌شود قرآن. فرمود: «**يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا**»^{۱۸} ای مردم در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستاده‌ایم.» چقدر این تعبیر قشنگ است: «**قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا**» یا این تعبیر را در سوره مبارکه یونس ببینید: «**يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ**

۱۸ . نساء: ۱۷۴.

رسا ویژه خداست.» واقعاً وای بر ما مسلمان‌ها، به خاطر این کم‌وکسری‌ها! از آن طرف خدای متعال یک چنین سرمایه‌گذاری کرده است، از این طرف ماها این قدر تنبل و بی‌حال و آشفته هستیم. واقعاً با داشتن پیغمبر، ما چیزی کم نداریم.

۳. رهاورد بعثت

پیامبر را خدای متعال مبعوث کرد، به چی مبعوث کرد؟ به قرآن. قرآن رهاورد بعثت است، محصول این مبعث بزرگ قرآن است، «**اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ**»^{۱۷} بخوان به نام پروردگارت که آفرید.» این حبل الله المتین که در دسترس ما است و همچنان که عرض کردیم از اسرار و رموز هستی که در صندوق سر کلام الهی هست بگیرد تا شرح سنت‌ها و قواعد الهی، تا بیان مسیر آفرینش، تا بیان آن نقطه آغاز آفرینش،

۱۷ . علق: ۱.

۴. فلسفه بعثت از منظر قرآن

قرآن کریم درباره مقاصد بعثت صحبت می‌کند، به اصطلاح مشهورش می‌گویند راجع به فلسفه بعثت آیات متعدد داریم. از آن آیه کریمه که سخن از «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^{۲۰} تا مردم به انصاف برخیزند. در آن هست تا آن آیه‌ای که «يُرَكِّبَهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»^{۲۱} و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد. در آن هست، تا آن آیه کریمه‌ای که «يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»^{۲۲} و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد. اینها همه‌اش به عنوان فلسفه بعثت است. ولی جان کلام در سه کلیدواژه است؛ یک:

وَ شَفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ؛^{۱۹} ای مردم به یقین برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست و رهنمود و رحمتی برای گروندگان [به خدا] آمده است. ببینید برای شما چی آمده است؛ قرآن آمده به برکت این بعثت بزرگ. انسان مؤمن در شب و روز مبعث باید به این نکته‌ها فکر کند؛ یعنی رابطه خودش با پیامبر، رابطه خودش با قرآن، یک محاسبه‌ای کند، بررسی کند. ما حظمان، بهره‌مان، بهره فکری‌مان، بهره ذکری‌مان، بهره عملی‌مان از قرآن کریم چقدر است؟ از این منبع نور، از این چشمه نور نصیب ما چقدر است؟

۲۰ . حدید: ۲۵.

۲۱ . جمعه: ۲.

۲۲ . اعراف: ۱۵۷.

۱۹ . یونس: ۵۷.

اقامه قسط است. زیست رشید و متوازن می‌خواهیم با اقامه قسط و عدل ممکن است. حیات طیبه می‌خواهیم با اقامه قسط و عدل ممکن است. همه‌اش به این گره خورده است. امنیت می‌خواهیم، رفاه می‌خواهیم، آرامش می‌خواهیم، آسایش می‌خواهیم، رشد می‌خواهیم، معنویت می‌خواهیم، هرچه می‌خواهیم برمی‌گردد به این مسئله قسط که عدالت اجتماعی است، در زیست اجتماعی انسان‌ها است، به اینجا برمی‌گردد. مخصوصاً صلح و سلام که دستاورد ویژه بعثت‌ها و مخصوصاً بعثت نبوی سلم و سلام است. گفت: «الْمُسْلِمُ مِّنْ سَلَمِ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ»^{۳۳} مسلمان، کسی است که مسلمانان از زبان و دست او آسوده باشند.» «تَحِيَّةُ الْإِسْلَامِ السَّلَامُ»، این زیست سالم است. یک بخشی از این زیست سالم، در فضای زیست اجتماعی

۳۳. متقی هندی، کنز العمال، حدیث ۷۳۸.

تلاوت آیات قرآن، دو: تزکیه که مربوط به تصفیه اخلاق و رشد اخلاقی است و تعلیم. تعلیم هم، هم شامل کتاب است هم حکمت. این در واقع آن نقطه کانونی اهداف عثت است. از نظر اجتماعی زمینه‌سازی برای اقامه قسط است. این هم جالب است.

قسط، یکی از هدف‌های اساسی بعثت

«وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند.» قیام به قسط خودش یکی از هدف‌گذاری‌های اساسی بعثت است در زیست جمعی انسان‌ها. نقطه کانونی قیام به قسط است. باید زمینه‌سازی بشود تا خود مردم انقلاب و قیام کنند برای اقامه عدل و قسط. ظاهراً بدون آن هم چیزهای دیگر درست نمی‌شود. یعنی زیست سالم می‌خواهیم با عدل و قسط ممکن است، با

شکست برای شان شکست خیلی بزرگی بود. واقعاً مسلمانان غزه پیروز شدند، واقعاً لبنان پیروز شد، واقعاً جبهه مقاومت سربلند است. خدا را شاکریم. اما بالاخره نتوانستند کاری بکنند. این مرتیکه را مثلاً بردند به دیوان لاهه، اما او را که آنجا نبردند، پرونده‌اش را بردند آنجا مثلاً محکومش هم کردند. این چه خاصیتی دارد؟ آیا توانستند جلوی او را بگیرند؟ نتوانستند. چون همان کسانی که همین دادگاه‌ها و اینها را تنظیم کردند، همان کسانی هستند که این سگ‌ها را انداختند به جان این مردم و هکذا فعل و تفعیل. این وضعیت نظام جهانی آشفته است. آنکه سامانش می‌کند عدل جهانی است که امنیت جهانی می‌آورد، رفاه جهانی می‌آورد، رشد بین‌المللی می‌آورد. در همه‌ی ساحت‌ها، آن عدالت است. آن باید تبدیل بشود به تمنای انسان، وقتی تبدیل شد به تمنای انسان، خدای متعال اجابت

می‌شود که مردم با همدیگر که زندگی می‌کنند به هم تنه نزنند، همدیگر را اذیت نکنند، در حریم یکدیگر وارد نشوند، حریم یکدیگر را حفاظت کنند. از اینجا شروع می‌شود، حالا خیررسانی و اینها بماند برای مرحله بعدی، ولی حداقلش این است که این رابطه، رابطه‌ی سالمی باشد.

پیروزی جبهه مقاومت در وقایع اخیر

ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که جلوی چشم بشریت به اصطلاح مدرن، پنجاه هزار انسان مظلوم را در خانه خودشان می‌کشند؛ بیشتر این خانم‌ها و بچه‌ها و... خب به بچه جرمی؟ این مثلاً انسان متمدن است، جلوی چشم همه این اتفاق می‌افتد و نمی‌توانند جلوی این یارو را بگیرند، مگر همان‌ها که با ایستادگی‌شان توانستند این دشمن کثیف را به شکست وادار کنند. واقعاً شکست خوردند، هزینه تحمیل شد اما

می‌بینید در آفاق جهان تمنای قسط و عدالت جدی دارد می‌شود. این بیداری است که در سطح جهانی مشاهده می‌شود. امیدواریم ان‌شاءالله آن روز بزرگ از راه برسد.

زمینه‌سازی ایرانیان برای ظهور

و الله ملت ایران هم یک کار کارستانی کرد، یک کار خیلی بزرگی کرد؛ این انقلاب ۵۷ واقعاً العظمه لله، این یک جلوه‌ای از جلوات آن بعثت بزرگ است، با همان پرچم، با همان پیام، با همان آهنگ، با رهبری از همین جنس، با انگیزه‌هایی که همه متصل به بعثت است. یعنی انگیزه‌ها هماهنگ با انگیزه بعثت، رهبرش هماهنگ با رهبری این بعثت، مقاصدش با این هماهنگ، راهبردهایش هماهنگ، حتی در شیوه‌ها و راه‌کنش‌ها و تاکتیک‌ها، نه فقط استراژی و راهبرد، انقلاب کردند و چه کار بزرگی کردند. انسان هم می‌رود به عهد نبوی می‌بیند از اول در

می‌کند با آن کسی که بناست کار این بعثت را به سرانجام برساند.

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛^{۲۴} اوست کسی

که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند.» یک جا دارد «وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».^{۲۵} یعنی مهدی (علیه

الصلوة والسلام)، کسی که این کار را تمامش می‌کند، یادگار بعثت و پرچمدار بعثت در روزگار ما. آن وقت جالب است وقتی اولیا خواستند وجود اقدس آن حضرت و مأموریت او را برای ما توضیح بدهند، می‌گویند کارویژه‌اش این است که این زمین پر از ظلم و ستم را از عدالت و قسط پُر خواهد کرد. «يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا.» لذا فرمود: «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» پیغمبر این را می‌خواهد، متنها مردم هم باید بخوانند، که

۲۴ . صف: ۹.

۲۵ . توبه: ۳۳.

قرآنی و نبوی است و انشاءالله راه بشریت را به سوی آن روز بزرگ هموار می‌کند و کرده است.

«يَخْرُجُ نَاسٌ مِّنَ الْمَشْرِقِ
فَيُؤْتُونَ لِمَهْدِي سُلْطَانَهُ»^{۲۶}

مردمی از مشرق قیام می‌کنند و زمینه حکومت مهدی را فراهم می‌آورند.» فرمود جماعتی از مشرق قیام می‌کنند و زمینه را برای مهدی ما آماده می‌کنند، «فَيُؤْتُونَ لِمَهْدِي سُلْطَانَهُ» این ملت ایران است، این ماه بهمن و دهه فجر است. درود خداوند و فرشتگان و خوبان عالم به روح مطهر آن رجلی که حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) بشارت آمدن او را داده که «رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ قَوْمٍ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ»^{۲۷} مردی از قوم مردم را به حق فرامی‌خواند.» آن مرد واقعاً کی بود؟ امام ما (رضوان الله تعالی علیه).

۲۶ . متقی هندی، کنز العمال،

حدیث ۳۸۶۵۷

۲۷ . محمدباقر مجلسی، بحار

الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

مجلس پیغمبر ذکر خیر ملت ایران بوده که اینها بناست یک کاری بکنند. الحمدلله این انقلاب به برکت اهل بیت، به برکت حضرت رضا (علیه السلام)، به برکت فرزند موسی بن جعفر (علیهما السلام) الحمدلله انجام شد، بحمدالله از آن کار بزرگ این نظام به دست آمد. یک ملتی است که در حال رشد و در مسیر ساخت تمدن اسلامی است، راهش راه سختی است، پریچ و خم است، ادعا ادعای بزرگی است، خواسته‌اش خواسته بزرگی است، رفته به مصاف تمام جریان استکبار، همه‌ی آنها را به چالش کشیده است، ملت ایران خیلی کار بزرگی کرده و دارد می‌کند، همین الآن، همین لحظه. خیلی کار او بزرگ است. آن کسی که به مصاف جریان استکبار رفته و مقابل او ایستاده ایران است. این ابرقدرت بی‌ظنیر و بی‌بدیل، به‌خاطر اتصالش به آن حقیقت که خدای متعال است، تیکه‌گاهش خداوند است و این اندیشه‌های ناب

شما وقتی به امام خمینی فکر می‌کنید اصلاً حالتان خوب می‌شود. واقعاً آن بزرگی، آن شکوه، آن عظمت، آن عرفان، آن قوّت قلب. به قول رهبر عزیزمان این ضرب شست امام است که زده و همچنان پژواکش در عالم پیچیده است، و این خط از عظمت آن روح بزرگ روح‌الله همچنان ادامه پیدا کرده است. رضوان خداوند بر او باد. خدا را شاکریم این کار بزرگ را ملت ایران با رهبری آن رجل الهی آغاز کرد و با این رجل الهی و رهبر عزیز حاضر هم الحمدلله ادامه داده و ادامه خواهد داد انشاءالله الرحمن. این همان خط بعثت است.

حضرت آقا در بیانیه گام دوم یک جمله کلیدی دارند که می‌گوید خلاصه‌ی کار ما ساخت تمدن اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی است. این مقصد پیش‌رو است، هم جهاد درونی می‌خواهد، هم

جهاد بیرونی. کار دارد. اینهایی که تعجیل می‌کنند، بعد خودشان سرخورده می‌شوند. سرعت آری، تعجیل نه. و تعلق نه، اما اهتمام آری. تعجیل هم نه. کار زیاد است، بعضی خیال می‌کنند همین فردا باید به نتیجه برسند؛ نه، کار دارد. هزینه می‌خواهد، ملت فلسطین هزینه می‌دهد تا بتواند هویتش را حفظ کند. بیش از پنجاه هزار شهید می‌دهد تا بتواند هویتش را حفظ کند. ملت ایران چقدر شهید داده است؟ همچنان هم می‌دهد، این هزینه دارد. اذیت می‌کنند، فرهنگی اذیت می‌کنند، اقتصادی اذیت می‌کنند، سیاسی اذیت می‌کنند، نفوذی می‌فرستند، جنگ روانی درست می‌کنند، همه‌ی اینها می‌باشد. چون شما می‌خواهید یک راه درست را بروید، ولی همه‌ی شیاطین جمع می‌شوند که اذیت کنند. این قطعه از تاریخ در تحقق آرمان بعثت یک قطعه مشعشع

شما وقتی به امام خمینی فکر می‌کنید اصلاً حالتان خوب می‌شود. واقعاً آن بزرگی، آن شکوه، آن عظمت، آن عرفان، آن قوّت قلب. به قول رهبر عزیزمان این ضرب شست امام است که زده و همچنان پژواکش در عالم پیچیده است، و این خط از عظمت آن روح بزرگ روح‌الله همچنان ادامه پیدا کرده است. رضوان خداوند بر او باد. خدا را شاکریم این کار بزرگ را ملت ایران با رهبری آن رجل الهی آغاز کرد و با این رجل الهی و رهبر عزیز حاضر هم الحمدلله ادامه داده و ادامه خواهد داد انشاءالله الرحمن. این همان خط بعثت است.

حضرت آقا در بیانیه گام دوم یک جمله کلیدی دارند که می‌گوید خلاصه‌ی کار ما ساخت تمدن اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی است. این مقصد پیش‌رو است، هم جهاد درونی می‌خواهد، هم

لبنان این‌ها می‌خواستند آن منطقه حائل را نگه دارند، خیلی برای‌شان مهم بود، روسیاه شدند، مردم رفتند، مردم که رفتند در محله‌های خودشان ساکن شدند و اینها دیگر نیاز به عملیات نظامی و امثال اینها هم نشد، این یک پیروزی خیلی جدید است. یکی هم مربوط به شمال غزه است، آنجا هم مردم را دیدید، آن حجم عظیم مردم پشت آن مسیره‌های ورودی و بعد ورود آنها که اینها ناچار شدند تسلیم شدند، راه نمی‌دادند، ادعاهایی داشتند، آنجا هم تسلیم شدند. الآن مانده‌اند چه توضیحی بدهند. شما حساب کنید خدای متعال چقدر دشمن‌های ما را جلوی چشم‌مان ذلیل کرده است، بدبخت‌های روسیاه نمی‌دانند چه بگویند، چه توضیحی باید بدهند، این شکست‌ها را چگونه می‌خواهند توضیح بدهند. می‌خواستند حماس نباشد، می‌خواستند ریشه حزب‌الله را خشک کنند، همه هستند، خودشان هستند که دربر

و تابناک و متفاوتی است. خیلی باید قدرش را دانست، خیلی باید قدر این زمانه را دانست. امیدواریم خداوند تبارک و تعالی برکات مادی و معنوی خودش را به حق این مبعث شریف و این سید لطیف بر امت اسلامی بیش از این نازل بفرماید. نصرت خودش را بر جبهه مقاومت نازل بفرماید.

پیروزی‌های جدید جبهه مقاومت

پیروزی جدید را هم که شنیدید؛ هم در لبنان، هم در فلسطین. در لبنان می‌خواستند منطقه حائل درست کنند، مردم رفتند، نیاز نشد حزب‌الله وارد عملیات بشود. خیلی کار بزرگی کردند و مخصوصاً آن صحنه‌ای که دیدید آن خانم رفته جلوی آن تانک ایستاده، خیلی صحنه عجیب است، خیلی قشنگ است. یک خانم، آن هم محجبه با چادر، خیلی صحنه قشنگ است. العظمه لله، این قطعه، این قاب جهانی شد. در هر صورت در

شده و رسوای عالم شده‌اند و منفورتر از همیشه هستند. خدا را شاکریم، خیلی اینها نعمت‌های بزرگی است. اینها همه از برکات این مبعث شریف است. از آن بهره‌مند هستیم. خدا را قسم می‌دهیم به حق محمد و آل محمد ارواح مطهر شهدا، امام راحل عظیم‌الشان، حاج قاسم عزیزمان، سید حسن نصرالله عزیز، و بقیه شهدا همه‌شان را با امام حسین (علیه السلام) محشور کند، ان‌شاءالله راه‌شان در بین ما مستدام باشد. اخیراً من خیلی به یاد شهید رئیسی می‌افتم، آقای رئیسی خیلی خوب بود، واقعاً گوهری بود. اکنون انسان بیشتر ایشان را درک می‌کند، خیلی خوب بود. ان‌شاءالله بر درجات ایشان افزوده بشود، آن همراه‌های عزیزشان هم بیفزاید، شماها را هم برای ما حفظ کند به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.





افوغها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰

(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر